



صبر

عامل پیروزی در جهاد اکبر

آیه الله جوادی آملی

دروود خدا بر صابران

در همین سوره رعد که اوصاف عملی اولوالالباب را تبیین می کند می فرماید: «والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم وأقاموا الصلوة وأنفقوا مما رزقناهم سراً وعلانية ويدرؤن بالحسنة السيئة أولئك لهم عقیب الدار» اگر کسانی این هشت صفت را دارا باشند، خانه آخرت نصیب آنان خواهد شد و قیامت به نفع آنها است. در آنجا به آنها بهشت های عدنی می دهند که هم خودشان و هم افراد صالح و خوب از پدران و همسران و فرزندانشان در آنها وارد می شوند و از هر دری فرشتگان بر آنها داخل شده و بر آنها درود می فرستند و می گویند چون شما صبر کردید و تسلیم خداوند بودید، پس درود خداوند بر شما باد که اکنون به دارالسلام رسیده اید، داری که نه از بیرون و نه از درون به شما آسیبی نخواهد رسید. «جنات عدن يدخلونها ومن صلح من آبائهم وأزواجهم وذرياتهم، والملائكة يدخلون عليهم من كل باب سلامٌ عليكم بما صبرتم فنعم عقیب الدار».

در جوامع روانی ما و همچنین در کشف و دو تفسیر دیگر از تفسیرهای عامه این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده اند که حضرت اول هر سال که می شد، کنار قبور شهداء می آمد و می فرمود: «سلامٌ علیکم بما صبرتم فنعم عقیب الدار».

پس صبر به عنوان یک فضیلت عملی مانند نماز و روزه نیست، صبر یک کار کلیدی است که هم در مقام پاداش به آن اینقدرها داده می شود و هم در مقام معرّفی، انمه ما می فرمایند: «الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد»، مثل صبر نسبت به ایمان، مثل سر نسبت به بدن است. و بدون شک اگر صبر این میقت کلیدی را نمی داشت، در این سوره ها و آن روایات بمنزله رأس ایمان معرّفی نمی شد.

در تحلیل معنای صبر، آنچه که از روایات برمی آید، این است که صبر به آن عامل پیروزی در جهاد اکبر برمی گردد و کاری به جهاد اصغر ندارد زیرا انسان در جهاد اکبر با یک عامل قوی و نیرومند باید مسلح باشد

«والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم وأقاموا الصلوة وأنفقوا مما رزقناهم سراً وعلانية ويدرؤن بالحسنة السيئة، أولئك لهم عقیب الدار».

(سوره رعد، آیه ۲۲)

بحث در تشریح صبر عملی اولوالالباب بود. یکی از روشهای عملی اولوالالباب، صبر است. در مسئله صبر چند مطلب بیان شد. یکی از آن مطالب، بحث پیرامون تحلیل بافت درونی صبر است که صبر باید از کجا نشأت بگیرد و برای چه انگیزه ای باشد؟ این را در سوره نحل و در سوره مدثر بیان فرمود: «واصبروا ما صبرك الا بالله» (نحل، آیه ۱۲۷) و در سوره مدثر آیه ۷ فرمود: «ولرئک، فاصبر».

در موارد دیگر به عنوان استقصاء، سه قسم صبر مورد بحث قرار گرفته است: صبر عند المصیبة و صبر عن المصیبة و صبر علی الطاعة، ضمناً قرآن کریم، صبر را عامل پیروزی می داند، و برای صبر یک پژوهشگری قائم است و آنان که دارای فضائل فراوانی هستند و در درجات عالیه بهشت جایگاهشان است، تمام آن درجات، محصول صبر است.

در سوره فرقان پس از اینکه برنامه روزهها و شبهای عباد الرحمن را بیان می کند و رفتارشان را با خدا و با خلق خدا مورد بررسی قرار می دهد، در نتیجه گیری بحث میفرماید: «اولئك یجزون العرفه بما صبروا». پاداش آنان غرفه های عالی بهشت است و این را در اثر صبر بدست آورده اند.

و همچنین در سوره «هل اتی»، آنجا که فضائل فراوانی را از اهل بیت عصمت و طهارت نقل می فرماید، سرانجام چنین نتیجه می گیرد که پاداش خیری که نصیب آنان می شود، در اثر صبر است. «فوفیهم الله شر ذلك اليوم ولقبهم نضرة و سروراً و جزیهم بما صبروا جنة و حريراً» (سوره نمر، آیه ۱۱۲). خداوند آنان را از شر آن روز نگهداشت و به آنها روی خندان و شاد عطا فرمود و پاداش صبرشان را به آنها بهشت و لباس حریر لطف کرد.

تا پیروز شود و بدون تردید اگر در جهاد اکبر پیروز شد، در جهاد اصغر هم ظفرمند خواهد شد.

صبر آن فضیلت کلیدی نفسانی است نه بدنی که آن فضیلت کلیدی، انسان را در جهاد اکبر پیروز می کند و لازمه اش ظفرمندی در جهاد اصغر هم هست. قرآن کریم مشکلترین مبارزه نفسانی را که مطرح می کند، اعلام می فرماید که پیروزی در این مبارزه نفسانی و درونی از آن کسی است که به سلاح صبر مجهز و مسلح باشد. در جهاد اکبر وقتی جریان جنگ درونی را تشریح می کند می فرماید کسی در این جبهه، پیروزی گردد که صابر باشد و اگر صابر نباشد هرگز پیروز نمی گردد.

از بین بردن بدی با خوبی

در سوره رعد، یکی از اوصاف هشگانه اولوالالباب را چنین نقل می کند: «ویدرون بالحسنة التیة» اولوالالباب کسانی هستند که بدی را با نیکی از بین می برند نه با بدی. سیئه را با حسنه از بین می برند، خواه سیئه ای که خود مرتکب شده اند یا حسنه خود از بین ببرند و خواه سیئه ای که دیگران مرتکب شده اند و آنان متعلق سیئه قرار گرفتند نه فاعل سیئه، باز هم با حسنات خود، آن سیئات را از بین ببرند. پس اگر خود کار بدی کرد و سیئه ای را مرتکب شد، با توبه و انابه که حسنه است، آن سیئه را دفع می کند.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده که فرمود: «إذا عملت سیئة فاعمل حسنة تمحوها» (بخارج ۷۱، ص ۳۸۹). اگر سیئه ای را مرتکب شدی، پس کار خوبی انجام بده تا آن سیئه را پاک کنی و بزدانی.

این یک مرحله است. مرحله دیگر این است که نسبت به شخص مؤمن بد رفتاری شده و مورد ستم و اهانت قرار گرفته، او با بزرگواری خود، آن سیئه را با حسنه دفع می کند و بجای اینکه او هم در جواب اهانت، اهانت یا در پاسخ فحش، فحش دهد، به آن طرف مقابل که از روی جهالت و نادانی به او ناسزا گفته یا اهانت کرده، با خوبی پاسخ می دهد. در قرآن نیز بر آن تأکید شده و در چند جا اذع بالثی هی احسن آمده است. در یکی از موارد می فرماید: «ادفع بالثی هی احسن السیئة» (سوره مؤمنون، آیه ۶۶) به روشی که بهتر است، سیئه و بدی را رد کن، پس اگر سیئه را با حسنه دفع کردی، و با گذشت و بزرگواری، برخورد نامناسب دیگری را پاسخ خوب دادی، آن کسی که نسبت به شما بدی کرده و اهانت و بی ادبی نموده است، این دشمن شما، دوست صمیمی شما خواهد شد. «فاذا الذی بینک وینه عداوة کأنه ولی حمیم».

ولی این کاربرد بزرگ، کار هر کسی نیست: «وما یلقیها الا الذین صبروا» تنها آنهایی که صابرند، می توانند با حسنه، سیئه و بدی را بر طرف نمایند و گرنه دیگران تا انتقام نگیرند، آرام نمی گیرند. این مقام والای صابران است که در جنگ درونی پیروز شده اند و این صابران دارای حقی عظیم هستند. «وما یلقیها الا ذو حظ عظیم» چقدر فرق است بین کوته نظرانی که وقتی قارون را می دیدند، می گفتند: «انه لذو حظ عظیم» (سوره قصص، آیه ۷۶) با سخن خدای سبحان که می فرماید: صابران و بردباران دارای حقی عظیم هستند. پس اگر خدای سبحان چیزی را حظ انسان بداند و از او به بزرگی و عظمت یاد کند، معلوم می شود فضیلت برجسته ای است.

اثر منفی عفو

اگر کسی که به تو ظلم کرد و اهانت نمود، او را مورد عفو قرار دادی، کار بسیار خوب و با فضیلتی انجام داده ای ولی این کار تا جایی مورد پذیرش است که طرف مقابل در برابر بزرگواری شما، از کردار خود پشیمان گردد و به اشتباه خود پی ببرد ولی اگر عفو، باعث تجری او بشود، اینجا حق از او ساقط شده است یعنی او حق خود را ساقط کرده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «وحق من أساء ک أن تعفونه، فان علمت ان العفوعنه بضر، انتصرت. قال الله تعالی: فمن انتصر بعد ظلم فاولئك ما علیهم من سبیل». حضرت سجاد در رساله حقوق خود، متعرض این مطلب شده است که حتی اگر کسی به شما ظلم کند، حق او این است که او را عفو کنی ولی اگر عفو برای او ضرر دارد، یعنی او را بیشتر بدتر می بخشد، دیگر این حق ساقط شده و باید با او همانگونه که خود برخورد کرده است، برخورد نمائی.

نکته ای که در اینجا لازم است متذکر شویم این است که دستور «عفو عن ظلمک» تنها نسبت به مؤمنین است و گرنه در مورد بیگانگان، چنین حقی وجود ندارد. در قرآن نیز اشاره شده است که مؤمنین در میان خودشان، مهربان و با گذشت اند و گرنه با کفار و بیگانگان، شدید و انتعاف ناپذیرند. «اشداه علی الکفار رحماء بینهم».

صبر پشیمان نماز است

روایات ما اذعان دارند که در حال خطر و مبارزه از اول، صبر خودش را کنار می کشد و به نماز و روزه و اعمال نیک که کارهای عملی است، به آنها می گوید: الان شما بروید بجنگید و مبارزه کنید؛ پس اگر پیروز شدید که شدید و اگر شکست خوردید، آنجا من هستم. از این معلوم می شود که در صحنه قهر

وقتی فرشتگان مسائل قبر را مطرح کردند، نماز از یک سوی و روزه از سوی دیگر و اعمال نیک و احسان از طرفی دیگر برمی خیزند و صبر است که به همه آنها دستور می دهد و می گوید: شما به مبارزه برخیزید و جواب بدهید، اگر یک وقت شکست خوردید، من هستم. پس صبر، پشتیبان نماز است، پشتیبان روزه است، و پشتیبان بز و نیکی و احسان است. روایات هم مؤید این معنی است.

صبر، رأس ایمان است
مرحوم فیض در کتاب «وافی» روایات صبر را جمع کرده که چند روایت را در اینجا بازگویی کنیم:

۱- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «الصبر رأس الایمان». امام صادق علیه السلام فرمود: صبر، بالاترین جایگاه ایمان است.

۲- امام سجاد علیه السلام می فرماید: «الصبر من الایمان بمنزلة الرأس من الجسد ولا ایمان لمن لا صبر له» نسبت صبر به ایمان، مانند نسبت سر به بدن است و کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «الصبر من الایمان بمنزلة الرأس من الجسد، فاذا ذهب الرأس ذهب الجسد». نسبت صبر به ایمان، نسبت سر به بدن است، پس اگر سر نباشد، بدن نیز نیست. و در این مورد روایات فراوان دیگری از حضرت رسول و ائمه معصومین علیهم السلام وجود دارد.

چرا صبر به این مقام رسید؟

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «ان العز حراً علی جمیع احواله ان نابتة نائبه صبر لها، وان نذات علی المصائب، لم نکسر، وان التبر وفهر واستبدل بالسر عسراً كما كان یوسف الصدیق الامین، لم یضره حرته ان استبد وفهر وأتبر، ولم یضره ظلمة الحب ووحشته»

(بحار الانوار- ج ۷۱- ص ۶۹)

انسان آزاده در همه حالاتش آزاده است. اگر حادثه بر تنده ای بر او وارد شد، او بر آن حادثه صبر می کند و هرگز جزع نمی نماید. و اگر

مصیبت ها آنقدر سنگین باشند که او را بکوبند، باز هم او را نمی توانند خرد کنند و از پای در آورند. و حتی اگر اسیر شود و مغلوب قرار گیرد (به صورت ظاهری) و بجای سر، شدت و عسر بر او فروریزد باز هم حریت و آزادیش از بین نمی رود، همانگونه که یوسف صدیق علیه السلام بود، این بزرگوار امین، هرگز حریتش را از دست نداد هر چند که برده شد و به اسارت گرفته شد و آنجا که در چاه افتاده شد، هرگز ظلمت و تاریکی و وحشت چاه، او را از پای در نیاورد و تسلیم نشد.

پس صبر به معنای حریت و آزادی است و انسان صابر کسی است که در برابر مصیبت ها و حوادث زمان هر چند کوبنده و شدید باشد، تسلیم نشود، حتی اگر به اسارت گرفته شود و به صورت ظاهر مغلوب شود و به زندان افکنده شود و این حریت یعنی آزاد شدن از قید غیر خدا و تنها در رهن عبودیت خداوند قرار داشتن. و لا غیر.

حضرت علی علیه السلام وقتی آزادی را معنی می کند می فرماید: «هن ثوبک الشهوات کان حراً» (غرر الحکم). آزاد مرد آن کسی است که شهوات را رها کند و دنبالش نرود.

در بیان دیگری حضرت می فرماید: «ألا حریدع هذه الثمالة لأهلها؟! إله لیس لأنفسکم فمن الالجنة فلا تبیعوها الا بها» (نصار الحکم). آیا انسان آزاده ای پیدا نمی شود که این چیزهای مانده و بی ارزش را به دیگران بفروشد؟! هان! بهای جانهای شما چیزی جز بهشت نیست، مواظب باشید به غیر از آن، جانهای خود را نفروشید.

پس آزادی و حریت رأس همه مسائل است. انسانی که در بند اسارت شیطان است، که نماز می خواند و نه اهل روزه است ولی انسان آزاده هم اهل نماز و هم اهل روزه است. هم در جنگ درونی پیروز است و هم در جنگ بیرونی برای اینکه وقتی در جنگ درون پیروز شد، در جنگ بیرون یقیناً پیروز می شود. و صبر به معنای سکوت نیست بلکه صبر به معنای مسلح بودن به آن حریت نفسانی است که انسان را در تمام جبهه ها پیروز می کند هر چند به صورت ظاهر اسیر یا زندانی گردد.

ادامه دارد

عاقبت اندیشی

امام رضا علیه السلام:

«إتقِ المُرْتَقی السَّهْلَ إِذَا كَانَ مُنْحَدِرَةً وَغَرّاً».

(اصول کافی- ج ۲ ص ۳۳۶)

از نقطه های مرتفعی که راه بالا رفتنش آسان و مسیر برگشتنش سخت و ناهموار است پرهیز کن.